

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران

* محمد یعقوبی^۱احمد عبدی^۲

چکیده:

یادگیری زبان همواره برای دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی با چالش همراه بوده تا جایی که فارغ‌التحصیلان ما با اتکا به آنچه در مدارس آموخته‌اند اکثراً نمی‌توانند یک جمله انگلیسی یا عربی صحبت کنند، اگر یک صفحه متن از این دو زبان را هم ببینند بعید است بتوانند معنی روشنی از آن ارائه کنند؛ اما درس عربی مشکل خاص خود را دارد، علت تدریس آن نزدیکی به زبان فارسی و جایگاه دینی آن ذکر شده، اینجاست که موضوع پیچیده می‌شود چراکه جایگاه علمی یک درس تبدیل به جایگاه معرفتی و معنوی می‌شود. نوجوانی که باید با تکان‌های شدید دوران بلوغ، دشواری‌های زندگی و سختی حفظ و یادگیری حجم بالای درس‌ها روبرو شود، درعین حال با نظام آموزشی تبلیغی همراه می‌شود که تلاش دارد در کنار دروس شیمی، فیزیک، زیست و ریاضی، بخش روحانی و معنوی وجود او را هم رشد دهد. شاید اشکال این بوده که مؤلفان کتاب‌های درسی به جای آن که در پشت میزهای مدارس کتاب‌ها را بنویسند تلاش کرده‌اند تا با ترسیم چارچوب‌هایی تعیین کنند که دانش‌آموز باید چه بشود! این چه باید شدن، جای چه هست و چه می‌تواند باشد را گرفته است. برای همین به نظر می‌رسد درصحنه عمل آنچه واقع می‌شود خلاف نظریه‌پردازی‌های نگارندگان کتاب‌های عربی است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد که با روش تحلیل محتوا چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران را مورد واکاوی قرار دهد.

کلمات کلیدی: چالش، زبان عربی، آموزش، مدارس ایران

۱ دکترای تخصصی، استادیار، استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، yaaghobim@yahoo.com

۲ دانشجوی دکترای معلم، ahmadabdi7649@gmail.com

تاریخ ارسال ۱۴۰۱/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

مقدمه:

زبان جزو نخستین وسایل ارتباطی میان انسان‌ها بوده است. اگرچه با ابزارهای دیگری مانند علائم، هنرهای بصری همچون نقاشی و مجسمه‌سازی نیز می‌توان ارتباط برقرار نمود، اما انتقال مفاهیم پیچیده ذهنی به ساده‌ترین و کامل‌ترین شکل ممکن فقط از طریق زبان نوشتاری و گفتاری ممکن است. قبل از پیدایش جوامع بشری، انسان‌ها به اشکال گوناگون معنا را به یکدیگر انتقال می‌دادند، تصاویر حک شده بر دیوار غارها، استفاده از آتش برای فرستادن پیام خطر، تقلید صدای حیوانات و ... قبل از ارتباط کلامی برای انتقال معنا به کار گرفته می‌شدند. سپس ارتباطی قراردادی میان صدا و معنا از کلمات بکار رفت و همه‌چیز نام‌گذاری شد. بعدها که زبان حالت قانونمندی یافت؛ هر قبیله بسته به ساختار فرهنگی - اجتماعی خود آن را به گونه‌ای به کار گرفت که توانستند هدف غائی "ارتباط" را حفظ کنند.

تنوع و گوناگونی زبان امتیاز ویژه‌ای را برای هر ملت دارد و از این رو هر زبان دارای نکات ظریف، کنایه‌ها و اشاراتی است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و با هیچ ترجمه سلیسی نمی‌توان لذت فهم کلمات آن را به دیگر زبان‌ها رساند، مگر آنکه آن زبان را فراگرفت.

از آنجاکه زبان با تفکر آدمی ارتباط وثیقی دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ اگر زبان ملتی ویران شود نسبت به گذشته خود آگاهی پیدا نمی‌کند. زبان یک ملت فقط زبان تکلم نیست بلکه آینه ادبیات، فرهنگ، علم، دین و هویت تاریخی یک ملت است. زبان با همه ابعاد انسان ارتباط دارد زمانی که زبان یک ملت تغییر کند، سایر شئون انسانی نیز تغییر می‌کند.

زبان عربی به‌عنوان یکی از زبان‌های غنی و پرجاذبه که علاوه بر تاریخ طولانی از گستردگی شایان توجهی برخوردار است، دارای ویژگی‌های قابل توجهی است که فراگیری و آموزش آن را اهمیت بیشتری می‌بخشد.

ساختارهای بدیع و دل‌انگیز، فراوانی واژگان، پویایی پذیرش از دیگر زبان‌ها، تنوع در تعبیر و استواری در نظام زبانی از مهم‌ترین ویژگی‌های این زبان است. زبان عربی به‌عنوان زبان کتاب جاودان الهی و میراث پربهای اسلامی از حدیث و تاریخ و تفسیر وجه مشترک میان مسلمانان جهان است. همچنین جمعیت انبوهی که از خاورمیانه تا شمال افریقا و مرزهای جنوب شرق آسیا با این زبان گفتگو می‌کنند و گسترش وسائل ارتباط جمعی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، مجلات و نشریات متعدد روزبه‌روز بر دامنه زبان عربی می‌افزاید و اهمیت فراگیری و استفاده از این زبان را دوچندان می‌کند.

این ضرورت برای فارسی‌زبانان که از طرفی عاشقان معارف دینی و نیازمند به استفاده از منابع اصیل آن می‌باشند و از طرف دیگر زبان آنان با زبان عربی آمیختگی فراوان داشته و ادبیات مشترک این خاستگاه را تقویت می‌کند، از درجه بالاتری برخوردار است. ضمناً ارتباط و پیوند همه‌جانبه با محیط‌های عربی به‌ویژه کشورهای مجاور موجب می‌شود که زمینه فراگیری و آموزش زبان عربی بیش‌ازپیش در ایران رونق گیرد.

یکی از دلایل اصلی عربی‌نویسی دانشمندان فارسی‌زبان، غنا، توانایی و قابلیت گسترده زبان عربی در انتقال معانی است. همان‌گونه که قرآن از ناحیه بهترین موجود بر قلب بهترین مخلوق نازل شده است به همان منتهج به بهترین زبان نیز نازل شده است. هیچ زبانی رساتر و متقن‌تر از زبان عربی برای انتقال معانی والای قرآن وجود نداشته و ندارد؛ اگر زبانی رساتر

از زبان عربی برای انتقال حقایق وحی وجود داشت، هرآینه خداوند قرآن را با همان زبان نازل می‌کرد؛ زیرا خداوند حکیم است و امور را از کامل‌ترین مجرا و به استوارترین شیوه محقق می‌سازد.

آموزش زبان عربی در ایران همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطوح کلان و خرد بوده است، به طوری که براساس اصل شانزدهم قانون اساسی، آموزش زبان عربی در برنامه درسی همه پایه‌های تحصیلی دوره متوسطه اول و دوم در مدارس گنجانده شد. بنابر پیشینه و عظمت تاریخی نقش ایرانیان در آموزش و یادگیری زبان عربی، می‌تواند که ایران سرآمد و یکی از قطب‌های یادگیری زبان عربی در منطقه و جهان باشد، اما با نگاهی به سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش زبان عربی در ایران و نیز خروجی و دستاوردهای عملی این سیاست‌ها و برنامه‌ها، ناکارآمدی و ناکامی در یادگیری زبان عربی به‌روشنی به چشم می‌خورد به طوری که به یکی از دشوارترین و غیر کاربردی‌ترین زبان‌ها مبدل شده و اغلب افراد جامعه چندان رغبتی به یادگیری آن نشان نمی‌دهند (سنقری و عادل، ۱۳۹۷: ۱۹۹). می‌توان براساس شواهد پژوهشی ادعا کرد که خروجی یادگیری و فراگیری این زبان به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش بسیار نامناسب است.

بیان مسئله:

بسیاری براین باور هستند که دانش‌آموزان از سال‌ها آموزش و فراگیری درس زبان عربی در مدرسه ثمره‌ای به دست نمی‌آورند. ضعف نیروی انسانی در آموزش زبان عربی، امکانات، شرایط، ابزارها، فضا و محتوای نامناسب و همین‌طور پیاده کردن شیوه‌های نادرست آموزش آن در کلاس موجب شده نتایج مورد انتظار و مطلوب از آموزش در مدارس درس به دست نیاید. اگرچه در سال‌های اخیر تغییراتی در محتوای کتاب‌های درسی عربی به وجود آمده است اما این تغییرات در حد مطلوب نیست. هم‌چنین زمان تدریس درس عربی در مدارس ما پاسخگوی نیازهای یادگیرندگان (دانش‌آموزان) نیست. ضمن آنکه شیوه و روش تدریس عربی هم در نظام آموزشی ما باید مورد بازنگری قرار گیرد. کودک برای آموختن هر زبانی ابتدا باید واژه‌ها و جمله‌ها را بشنود، سپس صحبت کند و پس از ورود به مدرسه حروف الفبا را بیاموزد و در نهایت نوشتن را. این در حالی است که بسیاری از معلمان عربی از روش‌های صحیح آموزش به دانش‌آموزان ناآگاه هستند، به این معنی که آن‌ها در اولین جلسه درس، الفبا را آموزش می‌دهند، یعنی دقیقاً برعکس عمل می‌کنند. به این نحو که به ترتیب نوشتن، خواندن، گفتن و شنیدن را می‌آموزند. بنابراین نمی‌توان آموختن و به کارگیری زبان عربی را از سوی دانش‌آموزان انتظار داشت. هم‌چنین تمامی مدارس ما فاقد آزمایشگاه زبان هستند، درحالی که وجود آن از اهمیت بالایی برخوردار است. برخوردها و تماس‌های اندکی که دانش‌آموزان با توریست‌های خارجی دارند و معلمان و دانش‌آموزان کمتر به کشورهای عربی سفر می‌کنند و همین‌طور احساس عدم نیاز به رسانه‌های عربی زبان، موجب شده که دانش‌آموزان برای آموختن زبان عربی از این ابزار مهم یادگیری استفاده نکنند. بنابراین باید مجموعه آموزش و پرورش احساس نیاز را در دانش‌آموز ایجاد کند. وجود آزمون و کنکور سراسری موجب شده است بخش‌هایی از آموزش زبان عربی به‌طور مثال، قواعد برجسته‌تر شود درحالی که باید آموختن واژه‌ها و کاربرد آن در جمله، برای گفتن و شنیدن نیز مهم تلقی شود اما این مسئله عملاً در آموزش و پرورش به‌ندرت اتفاق می‌افتد. در مدرسه دانش‌آموزان برای کسب نمره، عربی می‌خوانند و تلاش می‌کنند به هر نحو ممکن نمره لازم را به دست آورند. بنابراین انگیزه‌ای برای یادگیری آن ندارند. همین امر موجب می‌شود بچه‌ها با نمره‌ها و سطوح متفاوت و حتی گاهی ناموفق به

مقاطع بالاتر وارد شوند. ضمن آنکه شیوه‌های یاددهی و یادگیری و همین‌طور موادی که تدریس می‌شود بر پایه علایق و نیاز بچه‌ها شکل نمی‌گیرد. باید به‌طور دائم انگیزه‌های یادگیری و ارزش نتایج ناشی از آن و شیوه‌های یادگیری مورد بازنگری قرار گیرد و تصحیح شود. ضمن آنکه ابزارها و وسایل آموزشی و کمک آموزشی نیز باید مهیا شود. البته باید به نیاز، خواست و نظر یادگیرنده درباره مدرس و شیوه تدریس آن بهای زیادی داده شود. اهمیت شرایط و فضای یادگیری نیز کمتر از یاد دهنده و مواد یادگیری نیست. علاوه بر این‌ها آموزش زبان عربی همواره نیازمند نوآوری و تحول در همه ابعاد آن است.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

اهمیت زبان عربی در ایران، به امروزه بر نمی‌گردد. این زبان به دلیل ریشه‌ای که در مذهب و دین و تاریخ و علم و دانش ما دارد، از مهم‌ترین زبان‌های خارجه در ایران محسوب می‌شود. همچنین زبان عربی، پیشینه‌ای کهن در ادبیات نوشتاری ایران دارد. ناگزیر برای فهم عمیق‌تر ادبیات و فرهنگ و علم و دانش و تاریخ و فلسفه در جامعه‌ی خود که اغلب مهم‌ترین منابع درجه اول آن‌ها توسط بزرگان ما به عربی نوشته شده‌اند، ملزم به آموزش زبان عربی هستیم. اهمیت زبان عربی به‌جایی رسیده است که در بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدریس زبان عربی در مدارس از دوره ابتدایی به بعد به یکی از باید‌ها تبدیل شده است. این اهمیت‌ها و ضرورت‌ها ما را ملزم می‌کند که موانع و چالش‌های پیش رو در آموزش زبان عربی را برطرف سازیم.

سؤال اصلی پژوهش:

مهم‌ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران چیست؟

روش پژوهش:

روش انجام پژوهش حاضر بر اساس تحلیل محتوای کیفی است، ابتدا کتاب‌های درسی عربی متوسطه‌ی اول و دوم بررسی شده و سپس در راستای تحقیق موردنظر مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در آموزش زبان عربی در مدارس مورد بررسی قرار گرفته است.

چالش‌های آموزش زبان عربی

الف: به درس آموزش دینی تبدیل کردن کتاب درسی عربی

نشانه‌های این تغییر رویه را می‌توان با نگاه اول از عنوان کتاب درسی عربی فهمید که به «عربی زبان قرآن» بدل گشته است. اهمیت تدریس درس دینی و الهیات بر کسی پوشیده نیست و جای خود دارد که بیشتر از آن چیزی که اکنون هست بدان اهتمام داده شود اما آن چیزی که جای تأمل هست ما بدین نگاهی که در ابتدای کتب عربی آن را برجسته و بر آن تمرکز می‌کنیم باعث می‌شویم که دانش‌آموزان و حتی مردم کمتر آگاه این‌طور بیان‌دیشند که در ایران فقط کتب دینی به زبان عربی نگاشته شده، غافل از اینکه اغلب کتب تاریخی و فلسفی و علمی در علوم پایه و پزشکی با این زبان توسط ایرانیان نگاشته شده و لازم است ایرانیان برای آگاهی کامل بر تاریخ خود و همچنین تئوری‌های علمی و فلسفی بر زبان عربی تسلط کافی داشته باشند. جای بسی تأمل دارد که مؤلفان کتاب عربی، زبان بیش از چهارصد میلیون نفر و زبان رسمی بیش از بیست کشور و پنجمین زبان زنده‌ی دنیا را فقط در متون دینی و مقدس خلاصه کرده‌اند. زبانی که خود نماینده فرهنگ، تمدن، سنت، ادبیات و تاریخ چندین ملت و از جمله ملت و تاریخ ایران است. اقرار به این نکته که

کتاب قرآن و متون دینی ما از نظر بلاغت و بیان و اعجاز با هیچ متونی قابل قیاس نبوده و نخواهد بود، بر هیچ کسی پوشیده نیست؛ اما به مانند این است که ما زبان فارسی را فقط در شاهنامه فردوسی یا گلستان و بوستان سعدی خلاصه کنیم و جنبه‌های دیگر زبان که شامل تاریخ، فرهنگ، ادبیات و ... است را نادیده بگیریم. مدرس کتاب عربی در مدارس ایران بیشتر حس و حال یک معلم دینی را دارد تا اینکه مدرس یک زبان خارجه باشد. تمام مکالمات در عربی متوسطه‌ی اول در ذیل گفتگوهایی است که تماماً امورات دینی هستند و کمتر به مسائل روزمره یا ادبی و علمی می‌پردازد و بیشتر تمرین‌ها و متن درس‌ها هم که سایه‌ی مطالب دینی دارد. این امور در جای خود محترم هستند اما یادگیری زبان می‌طلبد بیشتر اموری را مدنظر و اهتمام قرار دهد که دانش‌آموزان روزانه با آن‌ها روبرو می‌شوند.

نقدی دیگر بر همین رویه از کتاب درسی وجود دارد و آن، این است که این بخش در درجه اول شامل مبانی باور دینی از جمله خدا باوری، ایمان و انجام واجبات و در درجه بعد عمیق کردن این مفاهیم و پرورش آن‌ها می‌شود که باید به شیوه‌ای جذاب و خواستنی و در رقابت با امواج بزرگ و خیره‌کننده لذت‌گرایی صرف سرگرم‌کننده جهان سرمایه‌داری و دنیای مدرن و ابزارهای دیداری، شنیداری و ارتباطی آن بتواند به شکل شایسته‌ای عمل کند؛ اما آنچه مؤلفان کتاب عربی عرضه کرده‌اند به جای جذابیت و رقابتی بودن، حجم سنگینی از آموزش عربی و بعد اتصال آن به باور دینی و در نهایت مجبور کردن دانش‌آموزان به خواندن آن با ابزار نمره درسی و نمره آزمون سراسری بوده است. مثل این است که ما برای یک بیمار که درکی از مزه و کیفیت غذا ندارد، از ارزش زیاد یک ماده غذایی تعریف و بعد اضافه کنیم: اگر نخوری باید پس‌گردنی بخوری! بیمار می‌ماند که این چه خیری است که باید با پس‌گردنی به وی خوراندند شود. این رویه عملاً موجب ایجاد نوعی واکنش منفی و گریز می‌شود. دانش‌آموزی را که غرق در احساسات و احوالات رشد و جامعه‌پذیری است چگونه می‌توان با استدلال و نصیحت قانع کرد که خواندن نزدیک به ۲۰۰ صفحه کتاب عربی آن هم پر از قواعد دشوار و استثنائات برایش خوب است چون در فهم متون دینی وی را کمک خواهد کرد، این در حالیست که وی هنوز وارد حریم دینی و اعتقاد و انجام واجبات نشده یا اگر شده ضرورتاً نیازی به دانستن عربی احساس نمی‌کند، لذا تمام تلاش باید در فروختن شعله ایمان صحیح در وی باشد.

تمرکز بیهوده بر انواع زمان‌ها و ضمائر که عملاً دانش‌آموز آن‌ها را صرفاً برای کسب نمره امتحان و آزمون حفظ می‌کند، بی‌تردید هدف تدوین گران کتاب عربی را محقق نخواهد کرد بلکه برعکس موجب زدگی دانش‌آموزان و از نظر روانی دوری بیشتر از مفاهیم معنوی و پیام دینی خواهد شد.

کافی است نگاهی به بازار حاشیه‌ای زبان انگلیسی و عربی داشته باشیم و آمار بگیریم که چند درصد دانش‌آموزان برای جبران ضعف آموزش رسمی زبان، به صورت انتخابی عربی را انتخاب می‌کنند، آن هم نه برای نمره درسی بلکه برای ارتقای معرفت دینی یا احساس نیاز به آن در زندگی شغلی و تحصیلی آینده (نه کنکور و امتحان).

بر مبنای مثل یک ده آباد به از صد ده خراب، آیا بهتر نبود و نیست که ده صفحه متن ساده و چند قاعده اولیه به‌خوبی آموزش داده و چند بار تکرار و ملکه ذهن شوند تا آن که صدها صفحه درس و تمرین را بر ذهن دانش‌آموز آوار و بعد تصور کنیم دانش‌آموز ما که سال آخر دبیرستان را تمام کرده و نمره قبولی در عربی دریافت کرده، لابد فردی دانا به مسائل دینی، واکنش داده در برابر فرهنگ رنگارنگ غربی و دارای دانش عربی شده که وی را در فهم مفاهیم دینی به

زبان اصلی کمک می‌کند. گاهی آمار گرفتن، سؤال از خود دانش‌آموزان و بررسی خروجی‌ها در جامعه به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کمک خواهد کرد که این تصمیمات را براساس واقعیت‌های بیرونی و به شکل دقیق‌تری بگیرند.

ب: نیروی انسانی غیرمتخصص

قبل از انقلاب، یادگیری زبان عربی در مدارس به صورت کاملاً محدود انجام می‌شد؛ اما پس از انقلاب و با توجه به اصل شانزدهم قانون اساسی، مدارس ملزم شدند که در تمامی پایه‌ها زبان عربی را تدریس کنند. یادگیری این زبان همواره برای سیاستمداران حوزه‌های آموزشی و فرهنگی دغدغه بوده است. به این دلیل که ایران با کشورهای عربی همواره دارای مراودات اقتصادی و فرهنگی است.

از این رو باید زبان عربی در کشور از پایه آموزش داده شود تا افراد بیشتری بتوانند در این موضوع مشارکت کنند. طبق قانون، آموزش و پرورش موظف شد که عربی را در تمامی پایه‌ها آموزش دهد؛ اما اینکه چگونه آموزش داده شود و چه افرادی در این حوزه توانایی کامل انتقال مباحث به دانش‌آموزان را دارند، هیچ‌گاه مورد اهمیت نبود. به همین دلیل است که امروزه در سیستم آموزشی کشور، یادگیری زبان عربی با چالش‌های بسیاری مواجه شده است.

در این قسمت از مقاله قصد داریم درباره استفاده از افراد غیرمتخصص در آموزش این زبان به دانش‌آموزان صحبت کنیم. چرا معلمان عربی در مدارس همچنان به شیوه سنتی خود در تدریس اصرار دارند؟ مگر غیر این است که این شیوه هیچ‌گاه آن‌طور که باید جواب نداده است. چرا سعی نمی‌شود همچون زبان انگلیسی، معلمان عربی شیوه آموزشی خود را تغییر داده و محیط کلاس را برای دانش‌آموز جذاب‌تر کنند. آیا نمی‌توان ضمائر و لغات را به شیوه‌ای امروزی‌تر تدریس کرد؟

چرا معلمان عربی تمامی ظرفیت و وقت کلاس را صرف آموزش قواعد می‌کنند و در کلاس با دانش‌آموز گفتگوی عربی ندارند؟ تمامی این چراها را می‌توان به سیستم آموزشی کشور ابتدا نسبت داد که هیچ‌گاه سعی در تغییر نگرش کتب درسی نداشته است. باید هدف از یادگیری این زبان برای دانش‌آموز، تکلم و صحبت باشد نه تمرکز بر روی قواعد و ساختار یک زبان. وقتی کتاب‌های عربی در سیستم آموزشی این‌گونه هستند، چه انتظاری می‌توان از معلمان داشت؟

سؤال دیگری که مطرح است این است که چرا شیوه تدریس معلمان عربی توسط آموزش و پرورش به‌روز نمی‌شود؟ نمی‌توان با برگزاری دوره‌های آموزشی کشوری برای معلمان، شیوه تدریس را نوین کرد؟ امروزه با در دسترس بودن اینترنت و فضای مجازی، همه افراد می‌توانند حتی به‌طور مستقل شیوه آموزشی نوینی را برای خود در تدریس انتخاب کنند. شیوه‌های قدیمی برای دانش‌آموزان امروزی جواب‌گو نیست. زبان‌آموزان امروزی، انتظار بازی، تصویرهای رنگارنگ و خلاقیت را از معلمان دارند.

نقد دیگری که بر مدرسان عربی در مدارس وجود دارد این است که متأسفانه معلمان به مهارت‌های زبان عربی مسلط نیستند و نمی‌توانند این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهند و مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای آموزش زبان عرب را، همچون آشنایی با روش‌های تدریس زبان دوم/خارجی و فرهنگ عرب‌زبانان ندارند. نمی‌توان انتظار داشت در شرایطی که معلمان زبان عربی به مهارت‌های زبانی مسلط نیستند و درک صحیح و جامعی از روش‌های تدریس زبان

ندارند و هرگز از زبان عربی در موقعیت عملی استفاده نکرده‌اند و قادر به تدریس مهارت‌های زبانی نیستند، به نتایج قابل قبولی در زمینه آموزش زبان عربی رسید.

ج: غلبه گرامر و قواعدمحوری در آموزش زبان عربی

چالش دیگری که در آموزش زبان عربی مطرح است، استفاده از قواعد در تمامی درس‌ها و پایه‌های آموزشی در سطحی کلان است. شما وقتی به‌عنوان یک دانش‌آموز کتاب عربی را باز می‌کنید، چیزی جز قواعد در ابتدای هر درس نمی‌بینید. قواعد سخت‌ترین قسمت آموزش هر زبان می‌تواند باشد و وقتی زیادی به آن پرداخته شود، باعث می‌شود زبان‌آموز از یادگیری زده شود. اکثر معلمان با حجم کثیری از دانش‌آموز مواجه هستند که از یادگیری زبان عربی لذت نمی‌برند و معمولاً نمرات خوبی در این درس کسب نمی‌کنند.

سیستم آموزشی با تولید و نشر کتب عربی، به دانش‌آموز تبیین می‌کند که قواعد و گرامر در صدر هستند نه مکالمه زبان. دانش‌آموز وقتی با چنین هدفی از سوی نظام آموزشی مواجه می‌شود، هدفی برای مطالعه پیدا نمی‌کند. یک فرد ممکن است با خودش بگوید قواعد در زندگی من به چه کار می‌آید؟ اما زمانی که برای او تعریف شود، تو باید بتوانی به زبان عربی سخن بگویی، آن وقت موضوع برای او فرق خواهد کرد.

منتقدین بسیاری همواره بوده‌اند و هستند که به نوع نگارش کتب اعتراض داشته‌اند. اگر نظام آموزشی نخبه‌های عربی را دور هم جمع کند و تصمیم به اتخاذ شیوه مدرن برای یادگیری شود، آن وقت است که نتیجه خوبی خواهیم دید؛ بنابراین، یادگیری قواعد و ساختار در هر زبانی از سخت‌ترین ارکان یادگیری آن زبان است و نباید از شیوه‌های پیچیده برای تدریس آن استفاده کرد.

د: کم بودن ساعات آموزشی

افزایش سطح انتظارات سازمان‌ها و ارگان‌های متفاوت از تعلیم و تربیت و نقش‌آفرینی آن در حوزه‌های مختلف، نظام آموزشی را با محدودیت‌هایی از جمله محدودیت زمان مواجه کرده است. بااینکه زمان‌بندی هفتگی تدریس ثابت مانده است، ولی درخواست برای تدریس دروس و مهارت‌های جدید نظیر مهارت‌های شهروندی، حقوق شهروندی، سلامت، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی نظام تعلیم و تربیت را با تنگناهایی مواجه کرده است. (ایمانزاده و عبادیان، ۱۳۹۸: ۱۹).

یکی از دلایل ناقص ماندن چرخه آموزش زبان عربی در نظام آموزش و پرورش ما این است که ساعت‌هایی که برای آموزش عربی در مدارس در نظر گرفته می‌شود، بسیار اندک و حدود یک جلسه (یک و نیم ساعت) در هفته است؛ این در حالیست که به گفته کارشناسان، شرایط غیراستاندارد آموزش هم مشکلات ناشی از این کمبود وقت را تشدید می‌کند؛ و دبیر نمی‌تواند با ساعت کم تدریس هفتگی که گاهی با تعطیلات نیز همراه می‌شود، تقویم سالانه درسی را بدون تعجیل اجرایی کند. این که معلم چه مقدار از این زمان کم را صرف حضور و غیاب دانش‌آموز، آموزش، دوره کردن، ارزشیابی، مسائل اخلاقی و تربیتی و... کند، جای تفکر دارد.

ذ: کاستی‌های موجود در زمینه ابزارهای کمک آموزشی دیداری - شنیداری

با استفاده از وسایل و امکانات آموزشی گفته‌ها و مطالب درسی برای دانش‌آموزان عینی‌تر و ملموس‌تر می‌شود حتی گاهی اتفاق می‌افتد که آن‌ها در هنگام مشاهده و کار با وسایل نکاتی ریز و ظریف را کشف می‌کنند که برای همیشه در

ذهنشان باقی می‌ماند پس هراندازه که آن‌ها از حواس خود بیشتر بهره بگیرند استعداد و خلاقیتشان بیشتر شکوفا می‌شود ذهنشان بیشتر فعال می‌شود و معلم نیز از کار خود نتیجه بهتری می‌گیرد. یادگیرندگان همه چیز را با استفاده از پنج حس خود یاد می‌گیرند (یعنی از طریق آنچه می‌بینند، می‌شنوند، بو می‌کنند و می‌چشند). وقتی بیش از یک حس دخیل باشد، فرصت‌های یادگیری افزایش می‌یابند. یافته‌ای پژوهشی نشان می‌دهد که زبان آموزان ۱۰٪ آنچه را که شنیده‌اند، ۵۰٪ آنچه را که دیده‌اند و در یک وضعیت آموزشی ترکیبی تا ۹۰٪ آنچه را که دیده، شنیده و انجام داده‌اند به یاد می‌آورند. زبان عربی به مانند هر زبان خارجی دیگری برای تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن نیازمند کارگاه‌های سمعی و بصری است؛ اما متأسفانه تقریباً در هیچ مدرسه‌ای چنین امکاناتی وجود ندارد.

نظام آموزشی کشور ما بسیار بر محتوای کتاب درسی، به‌عنوان تنها ابزار رسیدن به اهداف آموزشی تکیه دارد، درحالی‌که کتاب درسی باید به‌عنوان جزئی از یک بسته آموزشی، دربردارنده فعالیت‌های یاددهی یادگیری، منابع آموزشی گوناگون، آزمایشگاه و کارگاه و مانند آن باشد. در آموزش زبان غیرمادری، استفاده از لابراتوار زبان و وسایل کمک آموزشی همچون چند رسانه‌ای‌ها ضروری است. (حکیمزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹)

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که متأسفانه کتاب درسی عربی به‌گونه‌ای توسط مؤلفان نوشته شده که دیران و دانش آموزان نیازی به استفاده از وسایل کمک آموزشی دیداری _ شنیداری نمی‌کنند؛ زیرا اساساً بخش مرتبط با شنیدن یا خواندن یا صحبت کردن در این کتاب‌ها تعیی نشده، بلکه تمرکز اصلی بر ترجمه واژگان، ترجمه متن درس و فهم قواعد مربوطه است.

س: عدم هماهنگی ارزشیابی درس عربی با اهداف کتاب

ارزشیابی عملکرد از مهم‌ترین ارکان هر سازمانی بوده و سازمان‌های آموزشی نیز از این امر مستثنی نیستند. طبق برنامه درسی ملی، هدف از آموزش زبان عربی، آشنایی با زبان عربی خصوصاً مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی به مانند ابزارهایی در خدمت درک بهتر معنای آیات قران، متون دینی و تقویت زبان فارسی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین روشن است که روش ارزشیابی از درس عربی نیز باید متناسب با مهارت‌های چهارگانه باشد و بتواند آن‌ها را بسنجد؛ اما آنچه درخصوص ارزشیابی درس عربی در حال انجام است، رویه‌ای خلاف وضعیت مطلوب است.

«ارزشیابی پایان ترم 20 نمره و به‌صورت کتبی انجام می‌گیرد و مبنای تصمیم‌گیری در دستیابی فرد به اهداف آموزشی می‌شود و سؤالات ارزشیابی به قواعد و تجزیه و تحلیل تأکید دارد نه به مکالمه و در یک کلام قواعد محوری است، لذا ابزار ارزشیابی روایی و پایایی لازم را ندارد» (ایمانزاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۲۱).

«مسئله مهم در رابطه با انگیزه یادگیری، نوع سؤالات امتحانی است. از آنجایی که غالباً سؤالات امتحانی کاملاً مثل سؤالات کتاب است، دانش‌آموز مطالب کتاب را عیناً و بدون یادگیری به خاطر سپرده و حتی نمره بالا هم کسب می‌کند، لذا برای یادگیری مطالب کتاب اقدامی نمی‌کند در صورتی که اگر نوع سؤالات کتاب به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را به فراگیری علاقه‌مند و مشتاق ابتکار عمل نماید از این یادگیری هم احساس لذت می‌کند و هم در درس پیشرفت می‌نماید» (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۲).

ش: مفید واقع نشدن آموزش‌های ضمن خدمت

یکی از روش‌های توانمندسازی معلمان برگزارای دوره‌های بازآموزی در حین خدمت است تا آن‌ها را با روش‌های نوین تدریس آشنا کند؛ بی‌توجهی به “آموزش‌های ضمن خدمت” برای به‌روزرسانی و توانمندسازی معلمان در نهایت منجر به حضور معلمانی در کلاس درس می‌شود که نه اطلاعاتی به‌روز دارند و نه مهارت‌هایی قابل‌اعتنا، درحالی‌که معلم توانمند می‌تواند جریان آموزش را کیفی و در نهایت نسلی را تربیت کند که برای کشور منشأ اثر باشد. نتایج پژوهشی درباره دوره‌های ضمن خدمت معلمان تأکید دارد: اکثر آموزش‌های ضمن خدمت در دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده کاملاً مؤثر و کارآمد نبوده است کمترین دلیل این مسئله عدم همخوانی محتوای آموزشی دوره‌ها با نیازهای معلمان است.

اگر باور مسئولان آموزش و پرورش به این است که معلم عنصر اصلی در جریان دستیابی به تعلیم و تربیت با کیفیت و تحقق اهداف و برنامه‌های ترسیم شده از سوی فرادستان است پس باید رگه‌هایی از تلاش برای حمایت از آن‌ها و برنامه‌ریزی برای توانمندسازی و آموزش مهارت‌های تخصصی مشاهده شود.

بنابر آنچه معلمان می‌گویند، دوره‌های آموزش ضمن خدمت هم کم‌رنگ و هم از مسیر اصلی خود خارج شده است و اغلب دوره‌ها با محتوایی بدون توجه به نیازهای واقعی معلمان در کلاس درس برگزار می‌شود. از سوی دیگر تکرار مکرر آزمون‌های ضمن خدمت غیرتخصصی و یکنواخت این نوع آزمون‌ها را از محتوا و هدف اصلی خود تهی کرده و به آزمون‌های فرمایشی و بی‌خاصیت تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

آموزش زبان عربی در ایران با مشکلات عدیده‌ای روبروست که این امر مستلزم ایجاد تغییر در برخی از سیاست‌های آموزشی موجود است. درس «عربی» یکی از دروس رسمی در نظام آموزش و پرورش کشور است که از سال اول راهنمایی در نظام درسی دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و تا پایان دوره متوسطه دوم ادامه دارد؛ اما همیشه این سؤال پیش روی تمام افراد جامعه به‌ویژه اهالی آموزش و پرورش قرار دارد که چرا با وجود حدود ۶ سال آموزش مستمر، نتیجه‌ای که لازم است به دست نمی‌آید؟! به گونه‌ای که علی‌رغم صرف وقت و هزینه از سوی آموزش و پرورش برای به‌کارگیری دبیران این رشته، نه تنها دانش‌آموزان با پایان یافتن دوره متوسطه خود، توان «مکالمه» را ندارند، بلکه از درک مفهوم یک متن ساده یا مکالمه در حد احوالپرسی ساده نیز ناتوان هستند. هر از چند گاهی نیز اظهاراتی از سوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش در خصوص راه‌های بهبود آموزش زبان عربی و تغییر محتوای آموزشی این درس مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد تا تبدیل شدن به عمل و واقعیت فاصله قابل توجهی دارد. طبق اهداف کتاب درسی هدف آموزش عربی در آموزش و پرورش، فهم متن به‌ویژه قرآن و نیز متون دینی و مقدس و متون ادب فارسی آمیخته به عربی است نه مکالمه که بر اساس آن آموزش و یادگیری باید به گونه‌ای باشد که افراد در تخصص‌های گوناگون و در هنگام ورود به دانشگاه توان مراجعه به منابع دیگر و ترجمه آن‌ها را داشته باشند. به‌رغم تأکید هدف این وزارتخانه برای دستیابی دانش‌آموزان به توان «ترجمه» متون عربی، اما به نظر می‌رسد که همین هدف نیز با وضعیت کنونی آموزش زبان در مدارس کشورمان دور از دسترس باشد. کتاب‌های درسی زبان عربی در حال حاضر شامل تعداد اندکی «مکالمه» آن هم به‌صورت ناقص است، اما به‌جای آن در آموزش و پرورش ما به آموزش «قواعد» بسیار اهمیت می‌دهند، به گونه‌ای که بیشتر سؤالات امتحانی حتی در آزمون‌های سراسری نیز مربوط به قواعد زبان است، نه درک مطلب و مکالمه.

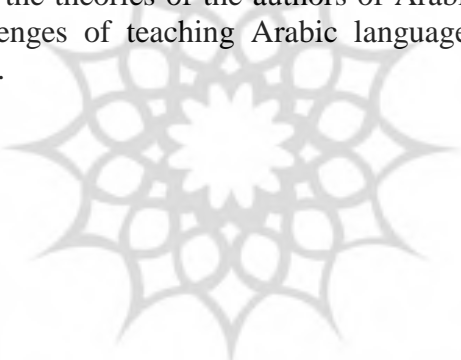
مؤلفان کتاب عربی باید این نکته را مدنظر خود قرار دهند که چرا یادگیری این درس برای شاگردان ایرانی سخت به نظر می‌رسد و اغلب دانش‌آموزان از فراگیری درس عربی گریزان و خسته‌اند. باید در اولین فرصت کتاب‌های عربی بهتری را با محتوای جذاب و قواعد صرف و نحو مختصر و مفید تألیف کرد و سپس با فراهم کردن شرایط و امکانات کمک‌آموزشی از معلمان خواست که با تقویت انگیزه‌های یادگیری در دانش‌آموزان و با استفاده از روش‌های فعال تدریس، دانش‌آموزان را به هدف غایی یعنی درک و فهم متون و مکالمه نزدیک‌تر نمایند و ما معلمین عربی یقین داریم که تا مؤلفان کتب عربی خود سال‌ها معلمی نکرده باشند و در کلاسهای درس عربی، سختی کار و تلخی آموزش قواعد بسیار و متون دشوار و طولانی را از نزدیک حس نکنند هرگز در تألیف کتابی ایدئال آموزش موفق نخواهند بود.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- سند برنامه درسی ملی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه ۱۳۹۱
- شعبانی، حسن، ۱۳۷۷، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، روش‌ها و فنون تدریس. قم، چاپ مهر، چاپ هشتم
- شریعتمداری، علی، ۱۳۸۹، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ایمانزاده، علی و زهرا، عبادی. تجربیات زیسته دبیران عربی از دلایل ناکارآمدی آموزش زبان عربی: مطالعه‌های پدیدارشناختی، مجله پژوهش‌های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- سنقری، حجت‌ا... و سیدمحمدرضا، عادل. بررسی مقایسه‌ای آسیب‌شناسی یادگیری و آموزش زبان انگلیسی و عربی در ایران از دیدگاه دبیران آموزش و پرورش: یک تحقیق داده بنیاد، دوماهنامه علمی و پژوهشی جستارهای زبانی، ش ۲، خرداد و تیرماه ۱۳۹۷
- حکیم زاده، رضوان و همکاران. بررسی مشکلات و چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران از نظر متخصصان، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۳۴، بهار ۱۳۹۴
- صفری، یحیی و همکاران. ارتقای سطح انگیزش پیشرفت دروس زبان انگلیسی و عربی با استفاده از روش آموزش چندرسانه‌ای، نشریه علمی و پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال نهم، ش ۳۳، بهار ۱۳۹۵
- علوی مقدم، سیدبهنام و رضا، خیرآبادی. بررسی انتقادی برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفتم، ش ۲۵، تابستان ۱۳۹۱
- شبه گلی، احمد. فرهنگ عربی زدایی و عربی زدایی فرهنگی، مجله معارف، ش ۱۰۷، سال ۹۳
- رضایی، یاور. علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به زبان عربی، آموزش معارف اسلامی، ش ۳، بهار ۱۳۹۱

Abstract:

Language learning has always been a challenge for students in educational environments, to the extent that our graduates, relying on what they learned in schools, mostly cannot speak a single sentence of English or Arabic, if they read a page of text from these two languages, They will see that it is unlikely that they can provide a clear meaning of it. But the Arabic lesson has its own problem, the reason for teaching it is being close to the Persian language and its religious position is mentioned, this is where the issue becomes complicated because the academic position of a lesson becomes an epistemological and spiritual position. A teenager who has to face the strong shocks of puberty, the difficulties of life and the difficulty of memorizing and learning a large amount of lessons, at the same time, he is accompanied by a propaganda education system that tries to, along with chemistry, physics, biology and mathematics, To develop his spiritual and spiritual existence. Maybe the problem is that instead of writing the books behind the school desks, the authors of the textbooks have tried to determine what the student should be by drawing the frameworks! This what should be, has taken the place of what is and what can be. For this reason, it seems that what happens in the action scene is against the theories of the authors of Arabic books. The present research tries to analyze the challenges of teaching Arabic language in Iranian schools with the method of content analysis.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی